

مبانی اجرای علنی مجازات از منظر فقه حنفی و امامی

سید عیسی عظیمی^۱ | علی احمد رضایی^۲

چکیده

مسئله اجرای علنی مجازات‌ها یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فقه اسلامی و حقوق کیفری است که دیدگاه‌های متفاوتی را میان فقه‌های امامیه و اهل سنت، به‌ویژه فقه حنفی، پدید آورده است. با توجه به آثار اجتماعی و حقوقی گسترده اجرای علنی مجازات در سطح ملی و بین‌المللی، بررسی این موضوع از منظر فقه اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و یک ضرورت پژوهشی است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و از طریق تحلیل منابع فقهی، در پی پاسخ به این سؤال است که اجرای علنی مجازات در فقه امامی و حنفی بر چه مبانی استوار است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که موافقان اجرای علنی مجازات‌ها، با استناد به ادله نقلی مانند آیه دوم سوره نور و روایات و نیز دلایل عقلی مانند تأثیر بازدارنده، اصلاح فرد و جامعه، و استناد به اجماع فقها، بر مشروعیت و حتی وجوب علنی‌سازی برخی حدود تأکید دارند. در مقابل، مخالفان بر دلایلی نظیر حفظ حرمت فردی، جلوگیری از آثار منفی روانی بر مجرم و ناسازگاری با اصل شخصی بودن مجازات تأکید می‌نمایند؛ اما تحلیل ادله آنان نشان می‌دهد که در برابر مستندات قرآنی، سنتی و عقلی موافقان، توان معارضه جدی ندارند. لذا یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اجرای علنی مجازات‌ها، به‌ویژه حدود، در فقه امامی و حنفی از پشتوانه معتبر فقهی برخوردار بوده و با هدف بازدارندگی و حفظ نظم عمومی، مشروع و در مواردی واجب تلقی می‌شود. این دیدگاه در نظام کیفری افغانستان نیز مورد توجه جدی است.

کلیدواژه‌ها: اجرای علنی، حدود، فقه امامی، فقه حنفی، بازدارندگی، نظم عمومی، نظام کیفری اسلامی

۱. ماستری فقه قضایی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

۲. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، استاد دانشگاه خاتم النبیین، کابل، افغانستان.

مقدمه

یکی از مباحث بنیادین در نظام عدالت کیفری اسلام، چگونگی اجرای مجازات‌ها به‌ویژه حدود است. در این میان، مسئله اجرای علنی یا غیرعلنی مجازات‌ها همواره مورد بحث و مناقشه میان فقهای اسلامی و حقوقدانان بوده است. اختلاف نظر میان دیدگاه‌های موجود، به‌ویژه میان فقه امامی و فقه حنفی، بر ضرورت بررسی و تحلیل مبانی نظری این مسئله افزوده است. گرچه در متون فقهی به برخی شواهد و نمونه‌های تاریخی از اجرای علنی مجازات‌ها اشاره شده است؛ اما سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که بر چه مبانی فقهی و عقلی می‌توان اجرای علنی مجازات‌ها را در فقه اسلامی مشروع یا نامشروع دانست؟

در دوران معاصر، با گسترش فضای رسانه‌ای، ارتقای آگاهی‌های عمومی و افزایش توجه جهانی به حقوق بشر و کرامت انسانی، بحث درباره شیوه اجرای مجازات‌ها، به‌ویژه در ملاء عام، به یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز در حوزه حقوق کیفری و فقه اسلامی تبدیل شده است. موافقان اجرای علنی مجازات معتقدند که این شیوه با ایجاد ترس از پیامدهای قانونی جرم، تأثیر بازدارنده‌ای دارد و می‌تواند از تکرار بزهکاری در جامعه جلوگیری کرده و موجب تقویت نظم و امنیت عمومی شود. آن‌ها بر این باورند که علنی سازی اجرای حدود، نوعی اعلان عمومی عدالت است که آموزه‌های دینی نیز آن را تأیید می‌کند. در مقابل، مخالفان این دیدگاه با تأکید بر شأن و منزلت انسانی، اجرای مجازات در ملاء عام را مغایر با اصول اخلاقی و حقوق بشری می‌دانند و بر آثار روانی منفی این اقدام، هم برای مجرم و هم برای ناظران، تأکید دارند. از نگاه این گروه، علنی سازی مجازات ممکن است نه تنها اثر اصلاحی نداشته باشد، بلکه سبب تحقیر فرد و عادی سازی خشونت در جامعه شود. بدین سان، این دو دیدگاه زمینه ساز بحثی جدی در خصوص مشروعیت، کارآمدی و آثار اجتماعی این نوع مجازات است.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با تمرکز بر منابع معتبر فقهی، به بررسی تطبیقی مبانی فقهی اجرای علنی مجازات در دو مکتب امامی و حنفی می‌پردازد. هدف آن است که ضمن تحلیل مستندات قرآنی، روایی و عقلی هر دو دیدگاه، مشخص



شود که آیا اجرای علنی حدود، صرفاً یک اقدام اجرایی است یا پشتوانه‌ای فقهی، اصولی و در مواردی الزام‌آور دارد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند نه تنها به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تری از مبانی فقهی مرتبط با اجرای علنی مجازات‌ها کمک کند، بلکه در فرایند سیاست‌گذاری کیفری کشورهایی که نظام حقوقی آن‌ها بر پایه فقه اسلامی شکل گرفته، مانند افغانستان، نقش مهمی ایفا نماید. روشن‌سازی مبانی شرعی و عقلی این مسئله، امکان تصمیم‌گیری مبتنی بر موازنه میان اصول فقهی، کارکردهای حقوق کیفری و ملاحظات اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. همچنین این تحلیل می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح یا تقویت رویه‌های اجرایی در نظام عدالت کیفری اسلامی در مواجهه با تحولات معاصر و چالش‌های بین‌المللی باشد.

۱. مفاهیم

در این قسمت به برخی از مفاهیم که در این پژوهش نقش کلیدی دارد و تبیین آن‌ها لازم است، می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم مبانی

مفهوم «مبانی» جمع مبنا در زبان فارسی به‌طور کلی به معنای محل بنا، بنیاد، شالوده، بنیان و اساس آمده (معین، ۱۳۸۶: ۲، ۱۶۰۱) که می‌توان آن را «اساس‌ها»، «زیرساخت‌ها» و «شالوده‌ها» است که اصول و ارکان بنیادینی را شامل می‌شود که یک موضوع یا سیستم بر پایه آن‌ها شکل گرفته است. این واژه در حوزه‌های مختلف معانی متفاوتی دارد؛ اما همگی به پایه‌های اصلی یک دانش یا حوزه اشاره می‌کند. به‌طور خاص، در علوم اسلامی، مبانی فقهی به اصول و قواعدی گفته می‌شود که برای استنباط احکام شرعی در فقه به کار می‌رود. این مبانی شامل منابعی مانند قرآن کریم، سنت پیامبر، اجماع فقها و قیاس است که چارچوب و روش‌های استنباط احکام را مشخص می‌کنند و در تفسیر و فهم قواعد فقهی نقش مهمی دارد.

۱-۲. مفهوم مجازات

مفهوم «مجازات» در حقوق و فقه به اقداماتی گفته می‌شود که توسط نهادهای قانونی



یا قضایی برای پاسخ به ارتکاب جرم یا تخلف از قوانین اعمال می‌شود. هدف اصلی مجازات، تنبیه و اصلاح مجرم، حفاظت از جامعه و پیشگیری از وقوع جرائم مشابه در آینده است. مجازات‌ها بسته به نوع و شدت جرم متفاوت‌اند و می‌توانند جنبه‌های کیفری، مالی، اجتماعی یا آموزشی داشته باشد. این تدابیر علاوه بر برخورد با فرد خاطی، در حفظ نظم اجتماعی و تضمین عدالت نقش مهمی دارد و به‌عنوان ابزاری برای ایجاد بازدارندگی در برابر رفتارهای غیرقانونی شناخته می‌شوند (ر.ک. کاسانی، ۱۴۱۵: ۷، ۲۲۰).

۱-۳. مفهوم اجرای علنی مجازات

اجرای علنی مجازات، به معنای اجرای حکم کیفری در حضور عمومی و مقابل دیدگان مردم است تا همه شاهد اعمال عدالت باشند. این نوع اجرای مجازات با هدف ایجاد بازدارندگی، آموزش و ایجاد عبرت برای جامعه انجام می‌شود تا افراد از پیامدهای تخلف آگاه شده و از ارتکاب جرم بازداشته شوند. این روش در نظام‌های حقوقی و فقهی، به‌ویژه در برخی نظام‌های اسلامی، در حفظ نظم و امنیت اجتماعی نقش مهمی دارد (نجفی، ۱۴۱۲: ۳، ۵۲۹).

۲. انواع مجازات‌ها

مجازات‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف، به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. در فقه اسلامی نیز مجازات‌ها به‌طور خاص و مشخص بر اساس نوع جرم و ویژگی‌های آن تعیین می‌شود. در فقه اسلامی به‌ویژه در مذهب امامی (شیعه) و اهل سنت، مجازات‌ها به‌طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۲-۱. حدود شرعی

حدود شرعی، مجازات‌هایی ثابت و مشخص است که در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) برای جرم‌های خاصی مانند زنا، لواط و سرقت تعیین شده است. این احکام تغییرناپذیر بوده و هدف آن‌ها حفظ نظم اجتماعی و اجرای عدالت الهی است. حدود به‌عنوان احکام قطعی، نقش مهمی در نظام حقوقی اسلامی دارد و اجرای آن‌ها با شرایط و مقررات دقیق صورت می‌گیرد (، ۱۴۱۰، ۲: ۱۲۳). از جمله جرائمی که مشمول حدود شرعی می‌شوند، می‌توان



به مواردی مانند زنا (ارتباط جنسی خارج از ازدواج)، لواط (همجنس‌بازی)، سرقت حدی، قذف (تهمت زنا)، نوشیدن شراب، و محاربه (جنگ با خدا و پیامبر یا ایجاد ناامنی در جامعه) اشاره کرد. هر یک از این جرائم مجازات‌های خاص و متفاوتی دارند که در متون دینی به تفصیل بیان شده‌اند.

مجازات‌های حدود معمولاً شامل شلاق، قطع عضو، سنگسار یا اعدام هستند و از آنجا که در قوانین اسلامی به‌عنوان احکام الهی تلقی می‌شوند، تغییر یا تخفیف آن‌ها بدون دلیل شرعی ممکن نیست. با این حال، فقها برای اجرای حدود، شرایط سخت و معیارهای دقیقی مانند وجود شهود عادل، اقرار مجرم، یا ادله محکمه‌پسند را ضروری می‌دانند تا از خطا و ظلم جلوگیری شود. اهمیت اجرای حدود شرعی فقط به خاطر جنبه کیفری آن‌ها نیست، بلکه به خاطر نقش تربیتی و بازدارندگی قوی آن‌ها در جامعه نیز است؛ زیرا هدف تعیین و اجرای این حدود، اصلاح فرد و حفظ سلامت اجتماعی است. اجرای صحیح این حدود، از نظر فقها باعث ایجاد عدالت و امنیت پایدار در جامعه اسلامی می‌شود. بنابراین در مجموع، حدود شرعی نمایانگر احکام قطعی و پایدار الهی در زمینه برخورد با جرائم مهم اجتماعی و اخلاقی است که تعادل میان عدالت، رحمت و حفظ نظم جامعه را دنبال می‌کند.

۲-۲. مجازات‌های تعزیری

تعزیرات یا مجازات‌های تعزیری به مجازات‌هایی گفته می‌شود که برای جرائم غیرحدی تعیین می‌شوند و توسط حاکم اسلامی یا قاضی با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص هر جرم تعیین می‌گردند. این نوع مجازات‌ها معمولاً برای جرایمی اعمال می‌شوند که در قرآن کریم یا سنت پیامبر (ص) حکم خاص و مشخصی برای آن‌ها ذکر نشده است و بر اساس مصلحت جامعه و ضرورت حفظ نظم و امنیت اجتماعی تعیین می‌شوند.

مجازات‌های تعزیری نیز نقش مهمی در نظام حقوقی اسلامی دارد؛ زیرا نمی‌توان همه جرائم را به‌صورت حدی تعریف کرد یا برای آن‌ها مجازات‌های ثابتی تعیین نمود. درواقع تعزیرات به‌عنوان مجازات‌های انعطاف‌پذیر، این امکان را فراهم می‌آورد که عدالت قضایی بر اساس شرایط واقعی هر پرونده و ویژگی‌های مجرم و جرم اعمال شود. قاضی در تعیین

تعزیرات باید موازین شرعی را رعایت کرده و مجازاتی متناسب با جرم و با هدف اصلاح و بازدارندگی انتخاب کند. از جمله جرائمی که معمولاً با مجازات تعزیری روبه‌رو می‌شود، می‌توان به جرائمی چون ضرب و جرح، تقلب، فحاشی، توهین، فساد اخلاقی و سایر تخلفات اجتماعی اشاره کرد که در متون دینی مجازات مشخصی برای آن‌ها ذکر نشده است. همچنین تعزیرات ممکن است شامل حبس، شلاق، پرداخت جریمه مالی، تبعید، یا محدودیت‌های اجتماعی باشد.

یکی از ویژگی‌های مهم مجازات‌های تعزیری، امکان تعدیل و تخفیف بر اساس وضعیت مجرم، شرایط وقوع جرم و تأثیر مجازات بر فرد و جامعه است. این انعطاف‌پذیری به قاضی امکان می‌دهد تا مجازاتی انسانی‌تر و متناسب‌تر با هدف اصلاح مجرم و حفظ آرامش اجتماعی اعمال کند. از سوی دیگر، تعزیرات به‌عنوان ابزار مهمی برای مقابله با جرائمی که به‌طور مستقیم در حدود شرعی نیامده، نقش بازدارنده و تربیتی دارد و در بسیاری از نظام‌های قضایی کشورهای اسلامی بخش عمده‌ای از مقررات کیفری را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب، تعزیرات مکمل حدود شرعی است و در تحقق عدالت و امنیت اجتماعی اهمیت فراوانی دارد.

۳. ادله موافقان و مخالفان اجرای علنی مجازات‌ها در فقه حنفی

بررسی مبانی و استدلال‌های فقهی موافقان و مخالفان اجرای علنی مجازات‌ها در فقه حنفی، یکی از ضرورت‌هایی این تحقیق است. لذا ابتدا دیدگاه فقه حنفی را در این زمینه بررسی کرده و تلاش می‌شود دلایل هر دو گروه موافق و مخالف اجرای علنی، به‌صورت دقیق تبیین و دسته‌بندی شود. پس از آن، نگاه فقه امامی به موضوع بررسی خواهد شد تا ضمن مقایسه دیدگاه‌ها، نقاط اشتراک و افتراق این دو مکتب فقهی درباره اجرای علنی مجازات‌ها روشن شود.

۳-۱. ادله مخالفان اجرای علنی مجازات‌ها در فقه حنفی

مخالفان اجرای علنی مجازات در فقه حنفی بر این باورند که چنین عملی با اصول عدالت، کرامت انسانی و اهداف کلی مجازات در اسلام مغایرت دارد. در فقه حنفی، به‌طور خاص،



برخی از فقها به اجرای علنی مجازات‌ها، نظر مخالف دارند. آن‌ها دلایلی را برای مخالفت خود با اجرای علنی مجازات‌ها بیان می‌کنند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است:

۳-۱-۱. کرامت انسانی

یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت با اجرای علنی مجازات‌ها، حفظ کرامت انسانی است. فقیهان حنفی به‌ویژه تأکید دارند که در اسلام، مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای اجرا شود که کرامت انسانی حفظ شود. مجازات‌های علنی، به‌ویژه در جرمه‌ها و مجازات‌های سنگین، می‌تواند باعث لکه‌دار شدن نام و حیثیت فرد مجرم شوند و این خود نوعی بی‌احترامی محسوب می‌شود (الزحیلی، ۱۴۲۷: ۲۳۰ و ۲۵۰).

دیدگاه مخالفان اجرای علنی مجازات‌ها، به‌ویژه از منظر فقه حنفی، ریشه در حفظ حرمت و شأن انسانی حتی در صورت ارتکاب جرم دارد. کرامت انسانی در اسلام، ارزشی ذاتی و خدادادی است که با جرم فرد از بین نمی‌رود. از این منظر، مجازات باید متناسب با جرم باشد؛ اما نه به قیمت تحقیر یا رسوایی عمومی فرد. اجرای مجازات در ملأ عام، به‌ویژه برای جرائم سنگین، ممکن است باعث فروپاشی شخصیت اجتماعی مجرم و طرد او از جامعه شود، درحالی‌که یکی از اهداف مجازات، بازگشت مجرم به مسیر اصلاح و بازپروری است.

فقیهان حنفی معتقدند که مجازات نباید تبدیل به وسیله‌ای برای انتقام یا بی‌آبرو کردن فرد شود، بلکه باید با رعایت اصول اخلاقی و انسانی، به نحوی اجرا گردد که هم حق جامعه و هم کرامت فرد محفوظ بماند. این دیدگاه با مبانی قرآنی که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...» (اسراء: ۷۰) نیز هماهنگ است. ازاین‌رو، برخی فقها اجرای غیرعلنی مجازات را راهی برای تحقق عدالت بدون لطمه زدن به کرامت انسان می‌دانند؛ به‌ویژه در جرائمی که امکان توبه و اصلاح در آن‌ها وجود دارد.

درحالی‌که همان‌خدایی به انسان کرامت ذاتی داده، درباره مجرم می‌فرماید: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲). در این آیه تأکید شده که اجرای مجازات باید در حضور جمعی از مؤمنان انجام گیرد. این دستور، نشان‌دهنده دو هدف مهم است: نخست، اصلاح و تطهیر فرد مجرم پس از تحمل کیفر و دوم، ایجاد بازدارندگی و عبرت‌آموزی برای



دیگران تا جامعه از ارتکاب جرائم مصون بماند و کرامت عمومی حفظ شود. درواقع این خود مجرم است که با ارتکاب گناه، کرامت خویش را لکه‌دار کرده و اجرای حد را بر خود لازم ساخته است.

۳-۲-۱. صلاح فرد و جامعه

در فقه حنفی، هدف از مجازات نه فقط تنبیه فرد، بلکه اصلاح او و جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده است. به نظر فقیهان حنفی، مجازات‌های علنی ممکن است این هدف را مخدوش کنند؛ زیرا مجازات علنی بیشتر جنبه انتقامی و تنبیهی دارد تا اصلاحی و فردی که مجازات می‌شود، ممکن است از جامعه طرد شده و در نتیجه نتواند به جامعه بازگردد. در فقه حنفی، تأکید زیادی بر این است که خطای فردی باید در صورت امکان پنهان بماند. آیه‌ای از قرآن نیز اشاره دارد که خداوند انسان‌ها را از افشا کردن عیوب یکدیگر نهی کرده است. اجرای علنی مجازات‌ها، به‌ویژه در مواردی که جرم به‌صورت خصوصی انجام شده باشد، می‌تواند منجر به افشای عیوب فرد شود و از آنجاکه این کار با آموزه‌های قرآن مغایرت دارد، فقهای حنفی به آن انتقاد دارند.

۳-۳-۲. پیشنهاد مخالفان برای اجرای مجازات

فقهای حنفی به‌طور کلی تمایل دارند که مجازات‌ها در خلوت اجرا شود و افراد در برابر عموم قرار نگیرند. این اصل بیشتر درباره مجازات‌هایی است که تأثیر منفی بر جامعه و اخلاق عمومی دارد. درواقع مجازات در خلوت به فرد فرصت می‌دهد تا بدون تحقیر عمومی و با حفظ کرامت، به اصلاح و بازگشت به جامعه ادامه ده. (الطحاوی، ۱۴۳۱: ۲، ۱۹۰). ابن قدامه معتقد بود که مجازات باید در خلوت و بدون توجه عمومی اعمال شود تا کرامت انسانی محفوظ بماند. امام شافعی نیز گرچه فقیه شافعی است؛ اما نظرات مشابهی با حنفی‌ها درباره اهمیت حفظ کرامت فردی و عدم لزوم اجرای علنی دارد.

۳-۲. ادله موافقان اجرای علنی مجازات در فقه حنفی

فقهای حنفی در مورد اجرای علنی مجازات‌ها دیدگاه‌های مختلفی دارند. به‌طور کلی، در فقه حنفی، اجرای علنی مجازات‌ها در شرایط خاص و با رعایت اصول خاصی جایز است،



هرچند در مواردی ممکن است نگرانی‌هایی از جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی آن وجود داشته باشد. در اینجا به برخی از دلایل موافقان اجرای علنی مجازات در فقه حنفی اشاره می‌کنیم:

۳-۲-۱. اجرای عدالت عمومی و محافظت از جامعه

موافقان اجرای علنی مجازات‌ها معتقدند که این کار می‌تواند به طور مؤثری عدالت عمومی را برقرار کند. آن‌ها استدلال می‌کنند که وقتی جرم و مجازات در معرض دید عموم قرار می‌گیرد، این امر به شفافیت در اجرای عدالت کمک می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ فردی از اجرای قانون مستثنی نیست. همچنین، اجرای علنی مجازات‌ها می‌تواند به مردم نشان دهد که عدالت اسلامی در تمام سطوح به‌طور یکسان اجرا می‌شود (السرخسی، ۱۴۰۹، ۱۰، ۲۸۳). بنابراین اگر مجازات‌ها در برابر عموم مردم اجرا شود، این کار می‌تواند به‌عنوان یک هشدار برای دیگران عمل کند و از ارتکاب جرائم جلوگیری کند. در این دیدگاه، علنی بودن مجازات‌ها به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه از جرم و فساد اجتماعی محسوب می‌شود.

اجرای علنی مجازات می‌تواند اعتماد عمومی به عدالت اسلامی را نیز تقویت کند؛ زیرا مردم مشاهده می‌کنند که اجرای عدالت بدون تبعیض صورت می‌گیرد. این شفافیت در اجرای احکام، سبب ارتقای احساس امنیت اجتماعی می‌شود و مردم باور می‌کنند که نظام قضایی در برابر جرائم بی‌تفاوت نیست. افزون بر آن، علنی بودن مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناختی، موجب نهادینه شدن هنجارهای دینی و تقویت بازدارندگی عمومی می‌شود. البته این امر باید با رعایت کرامت انسانی، عدالت و تناسب جرم و مجازات همراه باشد تا از آثار منفی احتمالی، مانند تحقیر یا طرد اجتماعی مجرم جلوگیری شود. از این رو، اجرای علنی مجازات‌ها در فقه حنفی، به‌مثابه ابزاری تربیتی و اجتماعی تلقی می‌شود که هم با فلسفه مجازات و هم با حفظ نظم و اخلاق عمومی سازگار است.

۳-۲-۲. کاهش جرم در جامعه و تأسیس نظم عمومی

برخی از فقهای حنفی معتقدند که اجرای علنی مجازات‌ها می‌تواند به کاهش جرم در جامعه کمک کند. در نظر این افراد، علنی کردن مجازات‌ها باعث می‌شود که افراد متوجه شوند که عواقب جرم در برابر عموم افراد نشان داده می‌شود و این امر موجب کاهش تمایل

به ارتکاب جرم خواهد شد. درواقع آن‌ها معتقدند که علنی کردن مجازات‌ها به نوعی «درس اجتماعی» به افراد جامعه می‌دهد و باعث تغییر رفتار مردم و بهبود آداب شهروندی می‌شود (الحصفکی، ۱۳۲۷: ۲، ۱۲۳).

بر اساس این دیدگاه، اجرای علنی مجازات‌ها صرفاً یک اقدام کیفری نیست، بلکه نقش آموزشی و بازدارنده‌ای نیز برای جامعه ایفا می‌کند. وقتی اعضای جامعه با چشم خود پیامدهای ارتکاب جرم را مشاهده می‌کنند، به شکل مستقیم‌تری تحت تأثیر قرار می‌گیرند و احتمال ارتکاب رفتار مشابه در آن‌ها کاهش می‌یابد. به تعبیر فقهای حنفی، این نوع مجازات‌ها نه تنها تأثیر آنی بر مجرم دارد، بلکه نوعی «نصیحت عملی» برای دیگران به شمار می‌آید و نظم عمومی در جامعه برقرار می‌شود. بنابراین در فقه حنفی، اجرای علنی مجازات‌ها به عنوان یک ابزار برای تأسیس نظم عمومی و جلوگیری از فساد اجتماعی پذیرفته شده است. لذا وقتی مجازات‌ها به طور علنی و شفاف اعلام شوند، از گسترش فساد و بی‌نظمی جلوگیری خواهد شد. اجرای علنی مجازات‌ها می‌تواند از ترویج فساد و بی‌عدالتی در جامعه جلوگیری کند و موجب تقویت نظم اجتماعی و عمومی گردد.

۴. ادله موافقان اجرای علنی مجازات‌ها در فقه امامی

موافقان اجرای علنی مجازات در فقه امامی (شیعه) دیدگاه‌های مختلفی دارند. در اینجا به برخی از اصول و دلایل آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۴-۱. دستور قرآن کریم

قرآن کریم درباره مجازات زنا می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند» (نور: ۲).

لزوم حضور جمعی از مؤمنان هنگام اجرای حد از عبارت «وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»، به دست می‌آید. مرحوم صاحب جواهر، به نحوی از وجوب حضور مردم



در حین اجرای این حد سخن گفته که وجوب اجرای علنی بودن آن را می‌رساند. چنانکه می‌گوید: «و قيل يجب كما عن الحلّی و جماعة بل هو خیرة المصنّف فی النافع تمسکا بظاهر الامر فی الآیه الذی هو الوجوب؛ برخی از فقها، مانند علامه حلّی و گروهی دیگر، حتی قائل به وجوب حضور جمع در اجرای حد شده‌اند. این نیز دیدگاه مختار مؤلف کتاب النافع است، که به ظاهر امر در آیه «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» استناد کرده‌اند؛ زیرا ظاهر امر در آیه، دلالت بر وجوب دارد» (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۱، ۳۵۳ - ۴۹۲).

خداوند متعال در بخشی از آیه مورد بحث فرمان می‌دهد که هنگام اجرای حد زنا، طائفه‌ای از مؤمنان باید شاهد اجرای مجازات باشند. واژه «طائفة» به معنای «گروهی از مردم» است و در اینجا، تعبیر «طائفه‌ای از مؤمنان» بیانگر لزوم حضور جمع قابل توجهی از افراد جامعه مؤمن در محل اجرای حد است؛ نه تنها برای نظارت، بلکه برای تحقق بعد اجتماعی و تربیتی مجازات. این تأکید قرآنی، برخلاف تصور برخی که اجرای مجازات را صرفاً مسئله‌ای فردی میان مجرم و دستگاه قضا می‌دانند، نشان می‌دهد که اجرای حدود شرعی جنبه عمومی و اجتماعی دارد. حضور مؤمنان به معنای درگیر کردن جامعه در فرایند اصلاح و پیشگیری است. این حضور، جنبه «نظارتی» بر اجرای عادلانه حد دارد و هم‌زمان، ابزار بازدارندگی عمومی محسوب می‌شود؛ زیرا مشاهده عینی مجازات برای بسیاری، درونی‌سازی قانون و فاصله گرفتن از رفتار مجرمانه را در پی دارد.

این حضور عمومی به معنای تشویق مردم به مشارکت در حفظ سلامت اخلاقی جامعه است. جامعه‌ای که در آن اجرای حدود به شکل علنی و با حضور مردم انجام می‌گیرد، از نظر روانی و رفتاری نیز بیشتر به هنجارهای دینی و اخلاقی پایبند می‌ماند. بدین سان، این دستور قرآنی یک راهکار پیشگیرانه و اصلاحی در سیاست کیفری اسلام محسوب می‌شود. لذا فقهای امامی از بر لزوم اجرای علنی مجازات تأکید دارند.

۲-۴. وجوب اجرای عدالت

در فقه امامی، یکی از اصول اساسی اجرای مجازات‌های شرعی بر اساس عدل و انصاف است. برخی فقها معتقدند که اجرای مجازات به شکل علنی می‌تواند یک ابزار مؤثر در برقراری عدالت و جلوگیری از وقوع جرم باشد. برای همین برخی از فقهای امامیه، اجرای

علنی مجازات و حضور مردم در صحنه مجازات را واجب می‌دانند.

علامه حلی می‌گوید: «ینبغی للامام اذا استوفی حدا ان یشعر الناس و یامرهم بالحضور و یجب حضور طائفة؛ برای امام سزاوار است که وقتی حدی را اجرا می‌کند، مردم را آگاه سازد و به آنان فرمان دهد تا حاضر شوند و حضور طایفه‌ای از مردم واجب است» (حلی، ۱۴۱۹: ۳، ۵۲۹).

صاحب جواهر می‌گوید: «و لا اشکال و لا خلاف فی انه ینبغی للامام و من قام مقامه اذا اراد استیفاء الحد ان یعلم الناس لیتوفروا علی حضوره بل الذی ینبغی له ایضا ان یامرهم به کما فعله امیرالمؤمنین علیه السلام...؛ در اینکه امام یا کسی که از سوی او اجرای حدود را بر عهده دارد، در وقت اجرای حد، مردم را از آن آگاه سازد تا برای مشاهده آیند، هیچ اشکال و اختلافی نیست، بلکه شایسته‌تر آن است که آنان را به حضور در اجرای حد امر کند، چنانکه امیرالمؤمنین^(ع) چنین کرد» (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۱، ۳۵۳ - ۴۹۲).

۳-۴. اثر بازدارندگی مجازات علنی

بسیاری از فقهای امامی اجرای علنی مجازات را به‌عنوان یک ابزار بازدارنده در نظر می‌گیرند. این مجازات‌ها به‌طور واضح و آشکار در برابر عموم مردم به اجرا درمی‌آید تا از بروز رفتارهای خلاف قانون و اخلاقی جلوگیری شود. به نظر آنان، علنی بودن مجازات‌ها می‌تواند مانع از ارتکاب مجدد جرم توسط دیگر افراد جامعه شود (زحیلی، ۱۴۲۷: ۱۳۵).

۴-۴. سیره سلف

در برخی از منابع تاریخ‌نگاری اسلامی، از جمله در دوران خلفای راشدین، گزارش‌هایی مبنی بر اجرای علنی برخی از مجازات‌ها وجود دارد. این‌گونه اقدامات به‌عنوان اقدامی برای حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت در جامعه اسلامی در نظر گرفته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۰، ۲۴۰). بعضی از فقهای امامی مانند علامه حلی و شیخ مفید به اجرای علنی برخی از مجازات‌ها موافق بوده‌اند. آن‌ها به این نکته اشاره کرده‌اند که چنین اقدامی می‌تواند به‌منظور تأسیس یک فرهنگ قانونی و اجرای عدلی در جامعه مؤثر باشد. در فقه امامی، اجرای علنی به‌شرط عدم آسیب رساندن به حرمت و کرامت انسانی می‌تواند مجاز شناخته شود.



۴-۵. تشفی خاطر اجتماع

یکی از دلایل مهمی که برای اجرای علنی مجازات‌ها در فقه اسلامی بیان شده، تشفی خاطر اجتماع یا به تعبیری دیگر، آرام‌سازی روانی جامعه پس از ارتکاب جرم است. وقتی یک جرم آشکارا در سطح جامعه رخ می‌دهد، به‌ویژه جرائمی که افکار عمومی و احساسات مردم را جریحه‌دار می‌سازد، افکار عمومی نوعی مطالبه‌گری برای پاسخ مناسب از سوی نظام قضایی و قانونی پیدا می‌کنند. در این شرایط، اجرای مجازات به‌صورت مخفیانه، ممکن است نتواند آثار روانی جرم را در ذهن جامعه پاک کند یا حس عدالت‌خواهی مردم را اقناع نماید.

از این رو، برخی از فقهای معاصر، مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، تأکید کرده‌اند که در جرائمی که به‌صورت علنی رخ داده و موجب جریحه‌دار شدن حیثیت اجتماعی و عمومی شده‌اند، لازم است که مجازات نیز به‌صورت علنی اجرا شود تا نوعی تسکین روانی و التیام خاطر برای مردم ایجاد گردد. ایشان می‌نویسد: «در مواردی که جرم و جنایت علنی بوده و افکار عمومی جریحه‌دار شده، سزاوار است که مجازات نیز علنی باشد تا جبران گردد، ولی در موارد دیگر لزومی ندارد، جز در مورد حد تازیانه که لازم است جماعتی هرچند کم، آن را ببینند» (مکارم شیرازی، گنجینه آرای فقهی، قضایی).

بر این اساس، اجرای علنی مجازات هم جنبه بازدارنده و عبرت‌آموز دارد و هم نقش تسلی‌بخش برای جامعه ایفا می‌کند. مردمی که شاهد بروز جرم در فضای عمومی بوده‌اند، انتظار دارند که مجرم به‌طور عادلانه مجازات شود و این عدالت باید برای آنان قابل رؤیت و لمس باشد. تحقق این عدالت علنی، اعتماد عمومی به نظام قضایی و نیز احساس امنیت اجتماعی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، اجرای علنی مجازات در چنین مواردی می‌تواند از بروز احساسات انتقام‌جویانه یا اقدامات خودسرانه توسط مردم جلوگیری کند. وقتی جامعه ببیند که قانون به‌طور قاطع و علنی در برابر جرم ایستاده، کمتر احتمال دارد که افراد بخواهند خود دست به اجرای عدالت بزنند. بدین ترتیب، اجرای علنی مجازات، نوعی پاسخ رسمی و مشروع به زخم‌های روانی و اجتماعی ناشی از جرم محسوب می‌شود که به تقویت ثبات اجتماعی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی، اجرای علنی مجازات‌ها یکی از مسائل بحث‌برانگیز و مهم است که میان دو مذهب امامی (شیعه) و اهل سنت، رویکردهای گاه مشترک و گاه متفاوتی در مورد آن وجود دارد. این مقاله با مقایسه فقه امامی و فقه اهل سنت، به تحلیل مبانی و اهداف اجرای علنی مجازات‌ها پرداخته است.

در فقه امامیه، اجرای علنی مجازات‌ها به‌ویژه در حدودی چون زنا، سرقت، شرب خمر، کذب و ارتداد، دارای پشتوانه قرآنی و روایی مشخص است و جنبه بازدارنده، اصلاح‌گرانه و اجتماعی دارد. از منظر شیعه، اجرای علنی مجازات در موارد مشخص، به‌ویژه زمانی که به حفظ نظم و امنیت عمومی کمک کند، نه تنها مجاز بلکه گاهی ضروری است. آیاتی مانند آیه دوم سوره نور و روایات اهل بیت^(ع) تأکید دارند که اجرای حد باید به آگاهی عمومی منجر شود تا دیگران نیز از آن عبرت گیرند. بنابراین اصلاح فرد و پیشگیری از گسترش فساد در جامعه، از مهم‌ترین اهداف اجرای علنی مجازات در این مذهب شمرده می‌شود.

فقه اهل سنت گرچه در مواردی همچون زنا یا سرقت نیز بر اجرای علنی حد تأکید دارد؛ اما برخی از فقهای آن، با توجه به مصلحت عمومی و حفظ کرامت فردی، در علنی بودن اجرای مجازات‌ها احتیاط بیشتری به خرج می‌دهند. در فقه حنفی، عالمانی مانند سرخسی و مرغینانی بر لزوم تحقق عدالت در اجرای حدود تأکید کرده و شرط علنی بودن آن را تابع شرایط اجتماعی، فرهنگی و امنیتی جامعه دانسته‌اند. به همین دلیل، اجرای مجازات ممکن است در مواردی به شکل محدود، کنترل‌شده یا حتی غیرعلنی صورت گیرد، تا به آبروی فرد لطمه‌ای وارد نشود.

در مجموع، هر دو مذهب بر نقش بازدارنده و اصلاح‌گرانه مجازات‌ها اتفاق نظر دارند؛ اما فقه شیعه در اجرای علنی آن صراحت و قاطعیت بیشتری نشان می‌دهد. فقه اهل سنت، به‌ویژه حنفی با رویکردی مصلحت‌محور، بیشتر به اقتضانات زمان و مکان و تأثیرات اجتماعی اجرای علنی توجه دارد. هدف مشترک هر دو، برقراری عدالت، حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از تکرار جرم است؛ اما ابزارها و میزان علنی بودن اجرا بسته به مبانی فقهی و مصالح اجتماعی متفاوت می‌گردد.



فهرست منابع

القرآن الکریم

۱. الحصکفی، محمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، الدر المختار شرح تنویر الابصار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. حلی، یوسف بن مطهر، (۱۴۱۹ق)، قواعد الاحکام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. الزحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۲۷ق)، الفقه الاسلامی وادلتہ، دمشق: دارالفکر.
۴. السرخسی، محمد بن احمد، (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۵. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۸۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
۶. الطحاوی، احمد بن محمد، (۱۴۳۱ق)، شرح مختصر الطحاوی، بیروت: دار الشائر الاسلامیه.
۷. کاسانی، علاءالدین، (۱۴۲۴ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: ادنا.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، گنجینه آرای فقهی، قضایی، قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه. (کد سؤال: ۹۰۸۸)
۱۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، نجف: بی نا.
۱۱. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۳)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.